

مبانی و قالب‌های شعر دفاع مقدس

توران محمدی^۱؛ مسعود باوان‌پوری^{۲*}؛ الهام ابراهیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۹

چکیده: ادبیات دفاع مقدس، یکی از شاخه‌های اصلی ادبیات انقلاب اسلامی بوده که شایسته و نیازمند مطالعه جدی، ازجانب نسل جوان اهل پژوهش است؛ زیرا به آنان یاری می‌دهد تا ابعاد مبهم و پیچیده اندیشه‌های نو ملی و مذهبی، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی را مورد پژوهش قرار دهند. ادیبان و شاعران متعهد این سرزمین، تمام هنر و استعداد خود را در آفرینش حماسه‌های این دوره به‌کارگرفتند و به عرصه تماشا گذاشتند و با تلاش آنان، ادبیاتی ایجاد شد که به ادبیات دفاع مقدس معروف است که به ادبیات فارسی، پویایی، سمت‌وسو و معنویتی دوچندان بخشید و در تغییر ذهنیت و جهان‌بینی شاعران و ادیبان اثرگذار بود. شاعران در این دوره، از قالب‌های متنوعی برای بیان احساسات خویش در قالب شعر، در غزل، قصیده، مثنوی و غیره به طبع آزمایی پرداختند. مقاله حاضر بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن نگرشی بر مبانی این نوع ادبیات، به تبیین قالب‌های به‌کارگرفته‌شده در شعر دفاع مقدس، با بیان نمونه‌هایی از هریک، پرداخته و خواننده را در درک درست موضوع یاری رساند. نتایج پژوهش، نشانگر آن است که زبان این ادبیات، به‌دلیل کاربرد لغات و اصطلاحات کهنه و نو دارای تنوع است. رعایت درست قواعد صرف‌ونحو کلمه و کلام و دوربودن از ضعف تألیف و غرابت استعمال واژگانی و همچنین پرهیز از اطناب‌های بی‌مورد و حلف‌های بی‌جهت، از خصوصیات سبکی ادبیات دفاع مقدس است.

واژگان اصلی: ادبیات، دفاع مقدس، سبک، مکتب، قالب شعری، شعر نو.

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۲*. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان و نویسنده مسئول (masoudbavanpourib@gmail.com).

۳. کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان.

مقدمه

ادبیات، آیینۀ اندیشه‌ها، عاطفه‌ها، خواسته‌ها، گرایش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نمایانگر خوبی‌ها، بدی‌ها، شایسته‌ها و ناشایسته‌های یک جامعه است. تاریخ، زمانی ماندگار می‌شود که در ادبیات، متجلی گردد و هنرمند از روح ادبی خویش، در آن بدمد (باحقی، ۱۳۷۹: ۲۰۰). انقلاب اسلامی، انقلاب مردمی همدل بود که تمام توده‌ها در آن مشارکت داشته و پیشگامان فکری و ادبی نیز حضور فعالی در جبهه‌های شعر و ادب داشتند. ایران امروز از سال ۱۳۵۹ تاکنون دوره‌ی پرباری را پشت‌سر گذاشته است. افزون‌بر مسائل و ارزش‌ها و دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارزش‌های فرهنگی، میراث ادبی، یکی از دستاوردهای این انقلاب و جنگ است.

انقلاب، به‌وقوع پیوست و بُعد عرفانی‌اش تعالی یافت. همبستگی ملت متحد، خشم برخی کشورها را برانگیخت. آنان نیز به قیام علیه این همبستگی ملی انقلاب مردمی برخاستند. جنگ تحمیلی، انقلاب دیگر مردم حاضر در صحنه دفاع و مقاومت ایران بود. «جنگ‌ها، انقلاب‌های اجتماعی هستند. جنگ و انقلاب با پیروی از امیال انسانی در زمان و مکانی خاص، دوره‌ای واحد به قصد دستیابی به اهدافی مشخص و با مشارکت نیروهای انسانی، به‌کارگیری ابزارها و شیوه‌های مختلف خشونت و کشتار و سرانجام، صرف هزینه و نیروی انسانی و تجربی و مالی محقق شده است» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۱۳).

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، پیامدهای بسیاری را به‌دنبال خود داشت و تغییراتی در فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست به‌وجود آورد و بارزتر از همه تغییراتی بود که در حوزه ادبیات ایجاد کرد. «جنگ‌شناسی برابر نهادۀ پوالمولوژی» (polemologie) است که از ترکیب واژه یونانی «polemos» به‌معنای جنگ و «logos» به‌معنای بررسی و شناسایی ساخته شده و در مجموع، به‌معنای «علم جنگ»، مطالعه شکل‌ها، علت‌ها، نتایج و عملکردهای جنگ به‌عنوان یک پدیده اجتماعی است (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

ادبیات دفاع مقدس، به‌دلیل برآمدن از متن و حاشیۀ جنگ تحمیلی و تأثیر مضامین و مفاهیم والای به‌دست‌آمده از آن، از تنوع مضمونی و غنای واژگانی و معنایی ارزشمندی برخوردار گشته است. تحولات سریع و همه‌جانبه‌ای که با گفتمان انقلاب و تغییر در جهان‌بینی

ایرانی پس از انقلاب اسلامی ایجاد شده بود، موجب تغییر در ذائقهٔ زیباشناختی، در میان اغلب ایرانیان همگام با جریان انقلاب شده بود که بی‌تردید، جمعیتی حدود ۹۸ درصد را با خود، به‌همراه داشته است؛ اما، همزمانی با جنگ تحمیلی و رویکرد ایدئولوژیکی و رنگ و بوی مذهبی و عقیدتی که با آن همگام و هم‌راستا بود، نه‌تنها، به تثبیت نگرش نو و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی حاصل از انقلاب کمک کرد؛ بلکه، خود نیز، جریانی قدرتمند و سازگار با زمینه‌های فکری، فرهنگی متن جامعهٔ ایرانی به‌وجود آورد که به غنای مضمونی و محتوایی و دایرهٔ نمادین واژگانی و زبانی هنر و ادبیات انجامید.

با آغاز جنگ تحمیلی، فصل نوینی در تاریخ سیاسی و اجتماعی این مرز و بوم پدیدار شد. به‌یقین می‌توان گفت که هیچ‌گونه ادبی در کشور در سال‌های اخیر، جلوتر از ادبیات دفاع مقدس نیست و اگر این بخش در نظر گرفته نشود، چیزی از ادبیات انقلاب باقی نخواهد ماند؛ به‌همین خاطر، پرداختن به این موضوعات و آثاری که در این حوزه نوشته شده‌اند، ضرورت اصلی این پژوهش بوده است. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن واکاوی ادبیات دفاع مقدس و ویژگی‌ها و شناسه‌های سبکی این ادبیات، قالب‌های شعری این دوره را موردتبیین قرار داده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون، پژوهش‌های گران‌سنگ و ارزشمندی در مورد دفاع مقدس انجام گرفته است که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌گردد. احمد امیری خراسانی و قدرت آخشن (۱۳۹۱)، به بررسی اسوه‌های مذهبی پربسامد در شعر دفاع مقدس پرداخته‌اند. سید علی قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی تلمیحات دینی - مذهبی در کنار تلمیحات اسطوره‌ای، سعی داشته‌اند، به نقش تلمیح در وحدت‌بخشی به محورهای طولی و عرضی شعر دفاع مقدس بپردازند. مریم شریف‌نسب (۱۳۹۳)، به بررسی بازتاب مفهوم وطن در شعر شاعرانی مانند حمید سبزواری، نصرالله مردانی، سپیده کاشانی، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور و غیره پرداخته است. سید کاظم موسوی و حمزه محمدی ده‌چشمه (۱۳۹۴) به بررسی شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای در شعر مردانی، حسینی، کاشانی، گرمارودی و سبزواری پرداخته‌اند. عنایت‌الله شریف‌پور و علی حسن ترابی (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم وطن در شعر شاعران دفاع مقدس پرداخته‌اند.

مبحث اصلی پژوهش

مکتب ادبی^۱ به معنای مجموعه سنت‌ها، هنجارها، اندیشه‌ها، نظریه‌ها و ویژگی‌هایی است که به دلایل اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی در دوره‌ای خاص، در ادبیات یک یا چند کشور نمود می‌یابد. این مجموعه، معمولاً، در آثار گروهی از صاحبان قلم رخ می‌نماید و باعث تمایز آن‌ها در سبک از شاعران و نویسندگان دیگر می‌شود. منتقدان، پژوهشگران، نویسندگان و شاعران برجسته، چنین مجموعه‌ای را می‌یابند و در قالب مشخصه‌های هر مکتب ارائه می‌دهند. هر مکتب با پیروانی که برای خود می‌یابد، دوره‌ای ویژه (کوتاه یا بلند) را می‌پیماید و سپس باز می‌ایستد (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲۶۵).

شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی در ایجاد یا تغییر مکاتب ادبی و سبک‌ها، تأثیر غیرقابل انکاری دارد. شاعران و ادیبان دفاع مقدس، در ابراز احساسات عمیق خویش نسبت به سرزمین خود و دعوت به پایداری و استقامت و نیز ایجاد بارقه امید در ملت خود از شیوه‌های نوینی سود جستند. آنان، حس کرده‌اند که اگر بتوانند کلمات را از مفهوم رایج خود تهی کنند و با معنایی تازه و بدیع لبریز سازند، بهتر می‌توانند با تحولات فکری و عاطفی هماهنگ شوند.

ادبیات دفاع مقدس شامل دوره جنگ و صلح است. در ابتدا، زبان ادبیات، ساده و بدون تصنع و نزدیک به کلام محاوره بوده و در دوره دوم، به سمت آرایش‌های لفظی و معنوی رفته و رنگین‌تر شد و از نظر محتوایی تنوع مضامین به وجود آمد. حماسه و عرفان، تشویق، ترغیب، تحقیر، شهید و شهادت، ایثار و شهادت‌طلبی، عناصر دینی آمیخته با صبغه‌های ملی و وطنی، ویژگی ادبیات دوران دفاع مقدس بوده و یادآوری خاطرات رزمندگان و حفظ یاد شهدا و ارزش‌ها و بیان اندوه و سوگ همراه با عاطفه و انتقاد، محتوای دوره دوم ادبیات دفاع مقدس است.

از خصوصیات سبکی ادبیات مقاومت، انتخاب زبان روایی و طولانی‌بودن سروده‌ها، همچنین غلبه زبان رجز و شعار بر دیگر گونه‌های شعری و بهره‌گیری از زبان تصویر و

1. Literary school

آرایه‌های بدیعی و آیات و روایات است. باید گفت که در ادبیات دفاع مقدس، به دلیل نگاه تازه به مسائل موجود در فضای اجتماعی - سیاسی آن دوران، نوگرایی خاصی در ادبیات موج می‌زند. چنان‌که می‌توان گفت، شالوده و بن‌مایه تفکر ادیبان و شاعران، براساس نوگرایی بنیان نهاده شده است. می‌توان گفت، اندیشه اجتماعی همراه با نگاه مذهبی آن‌ها، زمینه‌ساز استفاده آن‌ها از نمادهای مذهبی - اجتماعی شد. این ادبیات، گرچه جوان است؛ اما، پویاست. پس، می‌توان این ادبیات را سبکی مستقل دانست.

ادبیات دفاع مقدس و سمبولیسم اجتماعی

ادبیات دفاع مقدس، آیین تمام‌نمای چهره حماسه‌سازان ۸ سال دفاع مقدس است و ایشار، از خودگذشتگی، حماسه، شهادت‌طلبی و وطن‌دوستی رزمندگان و شهیدان را الگوی واقعی برای حال و آینده قرار می‌دهد و همچنین برای تاریخ بعد از ما نمادین و ماندگار جلوه می‌نماید و با آداب و عادات و فرهنگ و سنن اجتماعی و اعتقادی و ملی ما آمیخته شده است.

این ادبیات، سبک جدیدی در گستره ادبیات آفرید که باید با همین سبک، شناسایی و بازخوانی شود. به دلیل عمق مبانی اعتقادی و غنای ادبیات دفاع مقدس در بررسی بخش‌هایی که به تفاوت‌ها، تمایزها و ویژگی‌های خاص این دوران اشاره دارد، در چارچوب سبک‌های گذشته به بن‌بست می‌رسد؛ بنابراین، در سیر تاریخی ادبیات، باید این فصل را به‌عنوان یک دوره مستقل و فاخر با ویژگی‌های خودش مطالعه، تبیین و تحلیل نمود که اگر این‌گونه فکر شود، به زایش سبکی نو در ادبیات پی برده و از ورود به کوچه بن‌بست پرهیز می‌گردد.

آنچه ادبیات دفاع مقدس را با دیگر گونه‌های ادبی متفاوت می‌کند، در واقع، همان چیزی است که دفاع مقدس و جنگ تحمیلی را (یعنی پرداختن به بُعد ایمانی آن) از دیگر جنگ‌های دنیا متمایز کرده است. باید درون‌مایه اعتقادی دفاع مقدس را که سرچشمه خلق حماسه‌های بزرگ و آثار ارزشمند ادبی است، موجب متفاوت شدن ادبیات دفاع مقدس در تقسیم‌بندی آثار ادبی در جهان دانست.

اگرچه سمبولیسم به‌عنوان یک مکتب ادبی از اروپا آغاز شده است؛ اما ردپای آن در ادبیات کلاسیک ما نیز آشکار است. در دوره‌های نخست ادبیات کهن فارسی، به دلیل بینش

برون‌گرایانه شاعران و نویسندگان به زندگی، نمادپردازی نادر است؛ از این‌رو، با رواج ادبیات صوفیه، نمادگرایی رونق یافت و روبه‌گسترش نهاد (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۲۸). سمبولیسم در شعر معاصر ایران، با نیمایوشیچ آغاز گردید. او تحت‌تأثیر سمبولیست‌های فرانسوی و مطالعه آثار آنان، برخی از ویژگی‌های سمبولیسم را وارد شعر فارسی نمود. بی‌تردید، «جدا از غزل‌های عارفانه، ابهام شعری، با کوشش نیما بود که به شعر فارسی، به‌معنای حقیقی کلمه راه یافت» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲۹). یکی از شیوه‌هایی که شاعران و ادیبان با توسل به آن، زبان خود را برجسته می‌سازند، آفرینش و کاربرد واژگان جدید برحسب قیاس و یا گریز از قواعد ساخت‌واژه زبان هنجار است. شاعران و ادیبان دفاع مقدس در این زمینه طبع‌آزمایی کرده و با آفرینش واژگان نو بر بار بدعت کلام خود افزوده و به‌این‌ترتیب، به ایجاز در سخن نیز دست یافته‌اند. به‌همین دلیل است که برخی از آنان، گاه واژه‌ای خودساخته را جایگزین مفهومی مبسوط ساخته‌اند. این افراد، با تغییر دیدگاه و نگرش‌شان، سعی بر آن داشتند تا بر عمق کلام خویش بیفزایند. آنان، برای ایجاد رستاخیز در زنجیره کلام، واژگانی را وارد زبان کرده‌اند که تا آن زمان، وجود نداشته است. این واژگان ابداعی در هم‌نشینی با دیگر واژگان، از نوعی وحدت و انسجام برخوردارند.

آنان با نگرش واقع‌بینانه نسبت به مسائل جامعه، به بیان سمبولیک وضعیت اجتماعی انسان معاصر ایرانی پرداخته و در ارائه این تصاویر برای بیان مسائل اجتماعی و تبیین موقعیت‌های پرفرازونشیب سیاسی استفاده کرده‌اند. درواقع، می‌توان گفت که در ادبیات معاصر ایران، سمبولیسم اجتماعی، با نیما به‌طور جدی آغاز گشت و در ادامه، توسط بسیاری از شاعران دیگر دنبال شد. درباره خصوصیات سمبولیسم اجتماعی در ادبیات معاصر گفته‌اند: «سمبولیسم ایران معاصر، گرایش شدیدی به وقایع اجتماعی دارد. چنان‌که بر شعرهای سمبلیک نیما، گاه، چنان روح واقع که مرز «ماخ‌اولا» گرایانه‌ای غالب است که عینیت اشیای واقعی در درون شعر، کاملاً محسوس و طبیعی است؛ مانند شعر که مرز میان واقعیت و رمز، در آن معلوم نیست. دیگر این‌که سمبولیسم معاصر ایرانی، برخلاف سمبولیسم اروپا، به تعهد و التزام اجتماعی و سیاسی پای‌بند است. سمبولیسم اروپا، شعر ناب را سر می‌داد؛ اما سمبولیسم ایرانی، محتوای روح جمعی جامعه معاصر ایران را در خود دارد» (فتوحی، ۱۳۸۱: ۲۴۴).

ادبیات دفاع مقدس، در حوزه نشر، به‌ویژه در دهه دوم و در قلمرو شعر، به‌ویژه در دهه آغازین، دارای عناصری است که شایسته است، به‌طورمستقل بررسی گردد. پیوند ادبیات دفاع مقدس با الگوهای عاشورایی و اسلامی و موضوع شهید و شهادت‌طلبی، به سبک ادبیات دفاع مقدس، عمقی ژرف بخشیده و این موضوعات نشان‌دهنده اهمیت این سبک است.

در دهه‌های اخیر، ادبیات، براساس عنصر خودانعکاسی یا خودارجاعی آن، تعریف شده است. برپایه این دیدگاه، ادبیات، خواننده را به خود ادبیات و به چگونگی کارکرد آن ارجاع می‌دهد؛ اما برخی از منتقدان ادبی، براین‌باورند که درباره ویژگی خودارجاعی ادبیات، بزرگ‌نمایی شده است و توجه به این تفاوت سخن ادبی با انواع دیگر سخن، موجب شده است که بسیاری از خوانندگان متون ادبی، به خاطر جنبه خودانعکاسی این متون که باعث عقیم‌بودن ادبیات و خسته‌کنندگی آن گردیده، علاقه به این نوع متون را از دست بدهند (هلیس میلر، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۶).

قالب‌های شعری دفاع مقدس

۱- غزل

در دوره مشروطه، همزمان با بیداری ایرانیان و انجام کارهای سیاسی- اجتماعی، غزل‌ها هم روندی سیاسی گرفتند؛ یعنی، مضامین سیاسی در قالب غزل گفته شد. غزل، تحول بنیادی و معنایی یافت و این امر به جهان‌بینی و جهان‌نگری شاعران به انسان و اجتماع و جهان اطراف‌شان برمی‌گردد.

در غزل دفاع مقدس، عرفان با حماسه تلفیق می‌شود. «تلفیق حماسه و عرفان را به‌صورت آشکارا در غزل انقلاب می‌توان مشاهده نمود. در این قالب، حماسه با بعد زمینی‌اش و عرفان با بعد آسمانی‌اش با هم پیوند می‌خورند که تکاپو، ستیز و حرکت با اوج و اخلاص عارفانه درهم می‌آمیزد و غزل عرفانی متولد می‌شود» (باحقی، ۱۳۷۴: ۲۵۶). همچنین، فرهنگ اسلامی- شیعی در شعر محیط می‌شود و مرز غزل و قصیده درهم‌شکسته شده و با هم ادغام می‌شوند؛ زیرا شاعر باید شگفتی‌هایی را که تاکنون چشم‌ها ندیده و گوش‌ها نشنیده‌اند، بستاید و در آن، اعتراض و نوستالوژی و خوداتهامی به اوج می‌رسد.

غزل، لنگرگاه و قیامت شعر است و نهایت سیر و سلوک شعر، وادی غزل است. «چرا که روح زندگی، عشق است و این حدیث مکرر را از هر زبان که می‌شنوی نامکرر است. غزل، اسیری رهاشده از بند قصیده است و سرانجام، سرودن به غزل می‌رسد که سرآغاز سروده نیز با غزل بوده است» (سنگری، ۱۳۸۹، جلد ۳: ۳۰).

غزل، نرم و لطیف و منعکس‌کننده احساس و عواطف درونی، در روساخت و صورت شعر دارای گسستگی است؛ ولی در زیرساخت این‌گونه نیست و زیر بار تکلف و تصنع نمی‌رود. شعر، مجمل و ایجاز است و به‌همین‌خاطر در اذهان، جاودان و پایاست. غزل از دیگر قالب‌های کهن شعری بیشتر مورد توجه شاعران دفاع مقدس قرار گرفته و مضامین حماسی-عرفانی در آن گنجانده شده است. قالب غزل است که بیشترین تحول واژگانی و زبانی را یافته است. زبان نو غزل، کهنگی قالب را از اذهان می‌شوید و ذهن‌ها را با محتوای بدیع و شگفت‌اش جلا می‌دهد. تمامی غزل‌سرایان، در مضامین و تصاویر شعری و ترکیبات شعری، نوآوری دارند، مثل مرزهای روشن انتظار، مرز دیدار، ترنم شب، موج انفجار، خواب کوهسار و غیره که در سروده شاعران آمده است. قالب غزل تا قبل از انقلاب، قالب اشعار حسی، تجربی و عاطفی شاعران بود؛ اما در زمان دفاع مقدس و شور جنگ، مرزهای غزل درهم‌شکسته شد و آن را مانند خرمشهر از قید هرگونه اسارتی رها کرد و مضامین حماسی، بی‌محابا وارد عرصه غزل شدند. نصرالله مردانی را بنیان‌گذار این نوع قالب با این رویکرد محتوایی دانسته‌اند.

«غزل گرچه در مواجهه با دگرگونی‌های زبانی و قرارگرفتن در مسیر تجربیات رنگارنگ لفظی شاعران در بُعد ساختاری‌اش، دچار دگرگونی‌ها و افراطی‌هایی شده؛ اما به‌مدد گستردگی و قابلیت مفهومی‌اش قالبی نامیراست. تطورات شعر فارسی از آغاز تا عهد بازگشت و زمان حاضر، هرکدام موجب ظهور گرایش‌های مختلف صوری در غزل بوده است. درعین‌حال، مفاهیمی چون عشق، عرفان، حماسه، اجتماع و غیره، طی حیات غزل، خود را به‌وسیله آن بیان کرده‌اند» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۹).

غزل انقلاب، رویکردی رمانتیک از وقایع حماسی است که ساخت غزل را از ساخت سنتی خود می‌شکند و آن را از حصار مرزهای سنتی رها می‌کند. وقتی در محتوای غزل یکباره این همه تحول، رخ می‌دهد، در زبان غزل و صور خیال آن نیز به پیروی از محتوای غزل، تحول صورت می‌گیرد. زبان غزل که زبانی نرم و لطیف برای بیان احساسات و تأملات درونی و ستایش تصاویر زیبایی و زبان غیرروایی و زبان حماسه است، تبدیل به زبان فخامت و صلابت و روایی و استوار جنگ و خون و ستیز و نبرد می‌شود، زبان صدای ابزارهای جنگی و زبان برندگی قاطع است، زبانی که خشونت در آن به اوج می‌رسد؛ اما شاعران در شعر انقلاب با تلفیق هنرمندانه، این دو زبان را در کنار هم جمع کرده‌اند و به آن تسکینی داده‌اند که تنها از ازدواج حماسه و غزل پدید می‌آید. «پردازش حماسه در اوزان شفاف و غیرروایی غزل، کار آسانی نبود، به استثنای چند غزل حماسی - عرفانی دیوان شمس تبریزی و برخی غزل‌های انقلابی و البته مقطعی و غیرزایشی فرخی‌یزدی در تاریخ ادبیات فارسی، کمتر سابقه دارد که حماسه در قالب غزل ریخته شود؛ بنابراین، رویکرد حماسی به قالب غزل به منزله آشنایی زدایی، انحراف از نرْم و نسبت به رویکرد متعارف حماسه‌سرایی، نوعی ساخت‌شکنی به‌شمار آمده و ورود به این عرصه، آزمون و خطایی حیثیتی را می‌طلبیده است» (رحمدل شرفشاهی، ۱۳۸۴: ۲۱۹). «غزل را می‌توان رستاخیز اشعار ناامید تا آنجا که بیشترین شاعران این عصر در غزل‌سرایی نیز قدرت شاعری خویش محک زده‌اند» (براتی و نافلی، ۱۳۸۸: ۳۹).

انواع غزل انقلاب از نظر محتوا عبارت‌اند از:

۱. غزل حماسی که فقط حماسه در آن ریخته شده و عرفان را چاشنی خود ندارد.
۲. غزل حماسی عرفانی؛ در این قالب، حماسه با عرفان به هم پیوند می‌خورند و تکاپو، ستیز و حرکت با اوج و اخلاص عارفانه درهم می‌آمیزد و غزل عرفانی - حماسی شکل می‌گیرد.
۳. غزل سوگ سروده؛ به اشعاری اطلاق می‌گردد که در سوگ از دست‌دادن شخصیت‌ها و عزیزان جنگ سروده شده است (سوگنامه‌های حماسی).
۴. غزل مدحی؛ این نوع غزل به مدح امامان معصوم و پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیهم پرداخته است.
۵. غزل عارفانه؛ شاعران جنگ و جبهه، غزل‌هایی با مضامین عرفانی سروده‌اند؛ عرفان آنان، برخاسته از فرهنگ شیعی و سخنان امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است.

۶. غزل اعتراض که در آن شاعر بر بی‌دردان جامعه فریاد برمی‌آورد و آنان را بر از دست رفتن ارزش‌ها متذکر می‌شود.
۷. غزل بینابین حماسه مویه (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۳۳).
۸. غزل نئوکلاسیک؛ غزلی که نه تندروی شاعران غزل نو و نه کهنه‌گرایی افراطی شاعران غزل کلاسیک را داشت. این غزل، از یک‌طرف، ریشه در فرهنگ غنی گذشتگان و از طرف دیگر، ریشه در نوآوری نوآوران امروزه دارد. بیشتر شاعران شعر دفاع مقدس، غزل نئوکلاسیک دارند که به علت ساختار زبان و بیان موسیقایی نو و استفاده از واژگان فرهنگ و مفاهیم اسلامی و اصطلاحات عرفانی در وصف سلحشوری قهرمانان میدان جبهه، زبانش بسیار زنده و پویاست.
۹. غزل- داستان که در این غزل‌ها سیر شعری به صورت حرف روایی است، گویی که داستانی در غزل بازگو می‌شود. همچون ویژگی‌های غزل امروز، نقل داستان و حکایت است که بیشتر مبتنی بر تجربه شاعرانه یا تخیل شاعر است. این ویژگی غزل امروز را می‌توان «غزل- داستان» یا «داستان‌گویی در غزل»، «غزل- خاطره» یا «غزل حکایت» نام نهاد (ایران‌زاده: ۱۳۹۷، پرتال امام خمینی رحمت‌الله‌علیه). غزل در ستون افقی و عمودی، شعری دارای چنان نظم‌ی است که دیگر تکبیت معنا ندارد و حتی ارزش و جلوه‌ای هم ندارد و هر بیتی که اضافه باشد در شعر جایگاهی ندارد؛ بنابراین، باتوجه به سابقه لحن حماسی در غزل از قرون گذشته حتی در شعر مولانا و بیدل و بعضی دیگر که لحن حماسی دارند، باید دفاع مقدس را بستر اصلی این قالب با این نوع محتوا دانست.

۲- قصیده

در ادبیات دفاع مقدس قصیده افول می‌کند، مضامین و محتوای آن، از ستایش و مدح امرا و حکما به موضوعات اجتماعی، سیاسی، پندواندرز و مسائل عرفانی می‌رسد و رنگ‌وبویی حماسی به خود می‌گیرد. در شعر دفاع مقدس، دعوت به مبارزه، جهاد، شهادت، ستایش فضایل معنوی رزمندگان، جانبازی، ایثار، حماسه و فرهنگ اسلامی و عناصر اسطوره‌ای، ملی و مذهبی، موضوعات قصیده می‌شود. «زبان نسبتاً تازه، عاطفه سیال و صور خیال معتدل از ویژگی‌های سبکی قصیده عصر انقلاب اسلامی است» (سنگری، ۱۳۸۹، جلد ۳: ۹۰). قصاید دفاع مقدس از تغزل، مدح، وصف و عناصر حماسی ادغام یافته است. لحن حماسی، مدح و

توصیف در قصیده، به‌همراه جریان روشن‌فکرانه و فلسفی و هدفمند انقلاب قرار گرفت. قصیده در شعر دفاع مقدس، بیشتر شامل مدح و ستایش می‌شد؛ اما در حدشرعی و پا از حدود فراتر نمی‌گذاشت؛ هرچند که مدح و ستایش چهره‌های شاخص انقلاب و جبهه‌های نبرد در این قالب رواج داشت. شاعر قصیده‌سرا، از گذشتگان تقلید می‌کرد؛ اما زبان و مضمون، نو و تازه بود. این قالب در دوره دفاع مقدس رو به افول نهاد؛ زیرا از قالب‌هایی بود که به‌دلیل مغایرت زیبایی‌شناسی آن با روح شتابناک دنیای امروز و ذهنیت هنری مخاطبان نوگرای این روزگار رواج و رونقی نیافت (روزبه، ۱۳۸۶: ۳۱۰). همچنین، روح قصیده و جهت‌گیری آغازین آن، ستایش بزرگان و قدرتمندان است (سنگری، ۱۳۸۹، جلد ۳: ۱۳۸) که در این دوره رواج چندانی نداشت.

۳- مثنوی

مطالبی که در مورد قصیده ذکر شد، درباره مثنوی نیز صدق می‌کند. قالب مثنوی از تنوع و تعدد و آزادی بیشتری برای بیان حکایات و روایات برخوردار است. داستان‌های بلند حماسی، تعلیمی، عرفانی، عاشقانه و غیره را در این قالب می‌گفته‌اند. شاعران عرصه دفاع مقدس که مثنوی می‌سرودند، بسیار اندک بودند و حتی آنان نیز دچار ناپختگی و بی‌تجربگی و غفلت از زبان زمان بودند. در شعر دفاع مقدس، مثنوی که روح از قالب تهی کرده بود، باردیگر جان تازه گرفت. «بالندگی، قوام و ثبات مثنوی و رسیدن به پختگی سزمانند در شعر انقلاب به‌خوبی روشن است» (کافی، ۱۳۹۰: ۹۸).

در گذشته، از هفت وزن رایج در مثنوی استفاده شده است:

۱. فعولن فعولن فعولن فعل
۲. فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۳. فعلاتن فعلاتن فعلمن
۴. مفاعیلن مفاعیلن فعولن
۵. مفعلمن مفعلمن مفعلمن
۶. فاعلاتن مفاعلمن فعلمن
۷. مفعولم مفاعلمن فعولن (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

در شعر شاعران دفاع مقدس، برخلاف گذشته که اوزان کوتاه حداکثر تا یازده سیلابی بودند، اوزان بلند تا مرز شانزده سیلابی پیش رفتند. ردیف‌های بلند و قافیه‌های جاندار با هجای مشترک زیاد، وزن‌های بلندکلام را آهنگین‌تر می‌کرد. گاه در میان مثنوی با حفظ وزن غزل آورده می‌شود که به غزل مثنوی مشهور بود و حتی، گاهی در مثنوی بند ترجیع آورده می‌شود. غزل- مثنوی در شعر انقلاب اوج گرفت؛ البته، در میان اندکی از شاعران قبل از انقلاب نیز رواج داشت، از جمله وحشی بافقی در شیرین و فرهاد و در جمشید و خورشید سلمان ساوجی دیده می‌شود.

«مثنوی، قالب شاعران اندیشمند است. اطوار گوناگون مثنوی چون: بیان حکمت، نقل قصص و گفتارهای گوناگون، این فرصت را به شاعر می‌دهد تا با فراغ‌بال به طرح نظرات خود بپردازد و ضمن نقل اندیشه‌های خود از حکایات و روایات بهره‌بردار و در هر قسمت از شعر، احساسات خود را وانمود کند» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۴۰). شاعران دوره انقلاب برای سرایش موضوعات حماسی از وزن رجز مسدس مرفل بهره‌گرفته‌اند. این وزن تا پیش از این جزو نوادر اوزان عروضی شمرده می‌شد و بیشتر برای سرودن قصیده به کار می‌رفت؛ اما، شاعران دوره انقلاب، این وزن را با قالب مثنوی مناسب یافته و مفاهیم درونی خود را با بیان حماسی در این وزن ریخته‌اند.

از جمله مثنوی‌های مشهور عبارت‌انداز:

- عبور از صاعقه از حسین اسرافیلی.
- نی‌نامه (بحر متقارب) از رضا اسماعیلی.
- سردار سپیداران و پرواز شلمچه (بحر رمل) هر دو از شیرینعلی گلمرادی.
- مهتاب کردستان (رمل - لحنش حماسی عرفانیست) از منیژه درتومیان.
- یاد یاران (رمل) از حمید سبزواری.
- تجلی عشق (رمل - با لحنی روایی) از محمود شاه‌رخی.
- هفت‌بند التهاب (رمل) از عباس مشفق کاشانی.
- این همه یوسف (هزج) از علیرضا قزوه (البته غزل - مثنوی و دوبیتی است).

- سپیده کاشانی مثنوی بلند و زیبا و شورانگیزی دارد که موضوع آن دلاوری‌ها و جانبازی‌ها و صف‌شکنی‌های رزمندگان اسلام است.

در مثنوی سروده‌ها، عناصر حماسی همچون بیرق و تازیانه، خندق، زین کردن، باره، خشت و نیزه، نغمه‌های جس، اسب و خنگ و رستم و زال، موج می‌زند. از کلمات باستانی مثل ناقه و محمل، نشاط کردن، طبله، نپهره دایگان، رواق، نماز جوکیانه، نمازکن، افاقه، عشیره، ردان، تیول، طلا، گلخن، سمند، معجره، ترانه‌کن، ضماذکن، گریوه، جدار، ایاغ و غیره استفاده می‌شود. در این مثنوی‌ها، یادکرد گذشته و واگویه، استفاده از الفاظ، اصطلاحات مذهبی، انقلابی، تنبیه و تذکر به پرهیز از فراموشی ارزش‌ها، کاربرد الفاظ و اصطلاحات عرفانی و غیره است. علی معلم، احمد عزیزی، حسن حسینی، حسین اسرافیلی، سلمان هراتی، پرویز بیگی حبیب‌آبادی و عبدالرضا ملکیان از جمله مثنوی‌سرایان دفاع مقدس‌اند.

۴- رباعی

در شعر دفاع مقدس، رباعی نیز احیا شد. رباعی که تا قبل از انقلاب برای بیان حکمی، فلسفی، منطقی به کار می‌رفت؛ اکنون، برای بیان حماسی و یادکرد خصوصیات حماسی کاربرد دارد. این قالب، به دلیل برخورداری از وزن مخصوص، با حماسه نزدیکی بیشتری دارد و شاعر می‌تواند از این قالب، برای بیان وقایع حماسی بهره جوید. در رباعی به مرگان‌اندیشی، شهید و شهادت و حماسه و رزم پرداخته شده است.

کسی چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرافرازی نگرفت
زن پیش دلاورا کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۶)

موضوع شهید و شهادت علاوه بر این که در رباعی دارای بسامد بالاست، از جهت نگاه عمیق حکیمانه و فلسفی شاعران اندیشه‌ور انقلاب به مرگ نیز، دارای اهمیت است. لحن حماسی شهادت را برای خواننده یا شنونده رباعی، به یک آرمان و آرزو بدل می‌کند.

نگاه رضایت‌مند به مرگ و مرگان‌اندیشی، راز بزرگ حماسه و عرفان است. جنگ، خود یک حماسه است و در تعلیم دیدگاهی انقلاب، به خرقه عرفان نیز درآمده است؛ بنابراین، شعر با

این دو مؤلفه به خوبی آشنا و همراه است. پس باید نگاه رضایت‌مند به مرگ و مرگ‌اندیشی که مولود حماسه و عرفان است، در شعر شاعران انقلاب یک محوراندیشگی باشد که چنین نیز هست و در این میانه، سابقه و ساخت رباعی، ذهن سخنوران را بیشتر متوجه به خود می‌کند. «قالب رباعی، قالبی ایرانی است و ظاهراً، به دوره سامانی برمی‌گردد؛ البته، برخی، قائلند که از سرزمین‌های دیگر به خراسان آمده است. رباعی را در زبان فارسی، ترانه یا ترانک گویند که از کلمه تر به معنای تازه، آبدار و شاد گرفته شده است» (حکمت، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

رباعی، سال‌ها یک قالب مهجور بود و بعدها توسط منصور اوجی، قیصر امین‌پور و سید حسن حسینی اوج گرفت؛ اما، متأسفانه، شاعران مقلد که تعدادشان هم کم نیست، از این قالب سوءاستفاده نمودند و شعاری‌ترین مضامین را به دلیل سهل‌الوصول بودن، در قالب این رباعی ریختند و کار به جایی رسید که رباعی، تازه هنوز توسط شاعرش چاپ نشده بود که رونوشت آن در مجلات و روزنامه‌ها و تذکره‌ها به ثبت می‌رسید و این امر، باعث سرخوردگی شاعران نوجو و پویا شد که قالب را معطل گذاشت (امیری، مصاحبه روزنامه اطلاعات، ۲۶ مهر ۱۳۷۳).

این قالب، ظرفیت‌های بسیار زیادی برای شکار لحظه‌ها و مضامین و به‌دام‌انداختن صیدهای فربه شعری داشت؛ اما به علت طولانی شدن جنگ، درونی شدن احساسات بیرونی و نرم شدن لحن حماسی اشعار و طبعاً، ملایم شدن زبان مطلب، سیر صعودی کیفیت در سرایش رباعی کندتر و کم‌شتاب‌تر شد و رفته‌رفته، سیر نزولی خود را آغاز کرد و کم‌کم، وزن رباعی با ظرفیت‌های یادشده مناسب نبود و از کار برکنار شد.

۵- دوبیتی

از زمان جنگ تحمیلی تاکنون، قالب‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر قالب‌های یادشده، دوبیتی نیز، همگام با رباعی، رونق تازه‌ای گرفت و با همان روح عاطفی و لطیف در انتقال مفاهیم سوگ و حس شاعرانه نسبت به مقام شهیدان به کار گرفته شده است؛ مانند دیگر قالب‌ها از جمله غزل، دوبیتی نیز، محل تلفیق حماسه و عاطفه و سوگ بوده است. از منظر زبان نیز، واژه‌های روان، زیبا، عاطفی با واژه‌های محاوره و عامیانه و محلی ادغام شده و جلوه خاصی به شعر و زبان شعر بخشیده است. غالب مضامین این قالب شعری، شهدا و وصف و ستایش فداکاری آنان و رزمندگان است.

علیرضا قزوه می گوید:

خوشا آنان که جانان می شناسند
طریق عشق و ایمان می شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان
شهیدان را شهیدان می شناسند

(قزوه، ۱۳۸۴: ۲۱)

وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن آرام و باوقار دوبیتی، نمی‌توانست برای حماسه‌سرایی تند و مناسب باشد. در نتیجه، دوبیتی‌هایی که گفته می‌شد، درون‌مایه‌هایی حماسی از جمله شهید و شهادت، عاشورا و کربلا که همگی، بار معنایی اعتقادی مذهبی داشتند و به مذهب عوام نزدیک بودند، داشتند تا با وزن آرام نزدیک شود.

دوبیتی‌سرایان شعر دفاع مقدس، قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، سهیل محمودی، محمدرضا سهرابی‌نژاد هستند. از دوبیتی‌های زیبای این شاعران:

گل اشکم شبی وا می‌شد ای کاش
همه دردم مداوا می‌شد ای کاش
به هر کس قسمتی دادی خدایا
شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش

(همان: ۲۰)

۶- چهارپاره

چهارپاره، دوبیتی‌هایی است که در مصرع‌های زوج با هم هم‌قافیه‌اند و این دوبیتی‌ها از هم مجزا هستند؛ یعنی، هر بند دارای چهار مصرع است. البته، جای قافیه همیشه ثابت نیست. گاهی قافیه به صورت ضرب‌دری آورده‌اند یا گاهی مصرع سوم رها از قافیه است؛ یعنی، مصرع اول و چهارم یا دوم و سوم هم‌قافیه بوده‌اند. به این شکل است:

- *
- *
- 0
- 0
-
-

چهارپاره را برزخ شعر کلاسیک و معاصر (نو) دانسته‌اند. پیشوایان این شیوه شعری، در شعر مشروطه بوده‌اند که برای طرح مسائل روز (سیاسی - عاطفی - اجتماعی - تاریخی)، این قالب را ابداع کردند. پیشگامان آن عبارت بودند از: ابوالقاسم لاهوتی، جعفر خامنه‌ای، ملک‌الشعراى بهار، نیما یوشیج. شعر نو در حد کلاسیک خود، قالبی به نام چهارپاره را پدید آورد؛ یعنی، شعری که مابین کلاسیک و نو بود. چه در محتوا و اندیشه و چه در قالب و صورت و ساختار. باقری می‌گوید: «شاید همین بود که ظهور این قالب جوان، خیلی زود تحت‌الشعاع پیدایش جریان نیرومندتری به نام شعر نو قرار گرفت» (باقری، ۱۳۷۲: ۲۶۴).

این قالب شعری نیز در شعر دفاع مقدس به دلایل مختلف، جایگاه درخورخویش را کسب نکرد: «باتوجه به موقعیت زمانی تولد چهارپاره (اواخر مشروطه) و نیز ساخت ظاهری آن، توقع چنین بود که به‌عنوان واسطه‌العقد قالب‌های کهن و شیوه نو از جایگاه و پایگاه سزاواری برخوردار باشد؛ اما افراط در لحن رمانتیک و تصویرسازی محض از سوی شاعران حرفه‌ای این قالب، جایی برای شعر اعتراض که از سوی بیشتر شاعران نوسرا در قبل از انقلاب دنبال می‌شد، نگذاشت» (کافی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). بنا به گفته کافی، چهارپاره را مارماهی پنداشته‌اند؛ زیرا حدوسط نو و کلاسیک بود، در صورتی که نه این بود نه آن بود. میرشکاک، حسین اسرافیلی، ساعد باقری، محمدرضا عبدالملکیان، عباس خوش‌عمل و فریدون شمس از جمله کسانی بودند که در چهارپاره، شعر دارند.

ویژگی‌های چهارپاره شعر دفاع مقدس:

۱. زبان حماسی و خیزانی حاکم است.
۲. وزن‌های منتخب، نرم و آرام است.
۳. مضامین اسلامی - عاشورایی در آن حاکم است.
۴. حوادث میدان جبهه و شهادت در آن بازگو می‌شود.

۷- قالب نو

در عرصه ادبیات نیز، خطرکردن و تحول‌آفریدن، پس از یک دوره رخوت، کار بزرگانی بوده است که بی‌هراس از همه جدال‌ها به تجربه‌هایی تازه دست یازیده و فضایی تازه پیش چشم‌ها

و دل‌ها گشوده‌اند. «این عادت‌شکنی، گوهر اصلی و پایدار هنر است» (سنگری، ۱۳۸۹، جلد ۳: ۲۰۴).

نیما، شعر عصر خویش را شعری بی‌جان که کالبدش از روح مؤثر، تهی است، می‌داند. او در تکاپوست تا در کالبد شعر، روح تازه‌ای بدمد. فضا و زبان را دچار تحول می‌کند، ساختار را می‌شکند تا شعر، از آن ایستایی و رکود قبلی‌اش خارج شود. ساختار ارکان عروضی را می‌شکند و به قالبی جدید دست پیدا می‌کند؛ قالبی که مثل خودش، تحول و هیجان را به وجود آورد. درواقع، انقلابی در شعر ایجاد نمود. نیما، تساوی مصرع‌ها را ضروری ندانست و قافیه را در شعر و بندها معلق کرد و هرچاکه لازم می‌دید، از آن اجتناب نمی‌کرد. شعر، دارای دستوری تازه شد. درواقع، شعر نیمایی، دستوری خاص را با خود پدید آورد. تکرار و تکریر در شعرش برای القای معنا بسیار دیده شد، ترکیبات نیز مثل قالب شعر، نو شدند. او، علاوه‌بر ساختار شعر در محتوا نیز انقلابی ایجاد کرد ازجمله:

تصاویر و ترکیبات حاشیه‌ای که دست‌مایه و دست‌آلود شاعران گذشته بود را یک‌سو نهاد و در شعرش به ایجاز معتقد بود تا اطناب و حرافی؛ زیرا پیام برایش مهم بود. شعر، دارای انسجام درونی و وحدت است، نگاهش مثل قالب شعری‌اش به پدیده‌ها و انسان و جهان، نگرشی نو است. از این قالب شعری نیما، قالب‌های دیگر سر برکردند؛ ازجمله شعر سپید، شعر آزاد و بی‌وزن، شعر حجم و موج نو و موج ناب و غیره. در شعر نو، وزن دیده نمی‌شود؛ بلکه، باید احساس شود.

در دیدگاهی کلی نسبت به شعر دفاع مقدس، می‌توان عملکرد شعر نو را در قیاس با شعر سنتی موفق‌تر دانست؛ هرچندکه بعدها با رکودی نسبی روبه‌رو شد. «رواج جریان‌ی به نام غزل نو تحت‌تأثیر «طرز تازه» با مشخصه‌نوگرایی در زبان و محتوا و همچنین، تحولاتی در ساخت، ازجمله به‌کارگیری اوزان بلند و غیرمعمول، تنها اعتبار شکل‌های کهن شعر در این عصر بود» (کافی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

شاعرانی که در بازگشت به قوالب کهن شعر می‌گویند، بیشترشان موفق‌اند. من که تازگی و طرواوت آثار آنان را قدر می‌شناسم. به‌خصوص، آنان‌که توانستند نغمه را به قول صائب به زور

به ساز نبندد و حقایق روز را در شعر، بدون جلب رضایت قافیه متجلی سازند (صفارزاده، مصاحبه روزنامه اطلاعات، ۲ مهر ۱۳۷۰).

در شعر نو بعد از انقلاب هرچند تازگی زبان، برجسته بود؛ اما ابتدال در زبان و محتوا در شعر برخی شاعرانِ نه‌چندان حرفه‌ای و پیدایش موج‌های نو، ناب و حجم باعث رکود در این شعر شد. از ناموران این شعر متعهد می‌توان به طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی، ضیاءالدین ترابی، سلمان هراتی، محمدرضا عبدالملکیان، عباس باقری، ایرج قنبری، علی هوشمند، محمدحسین جعفریان و مصطفی علیپور اشاره نمود. شعر نو در واقع محدودیت ظرفی قالب‌های کلاسیک را ندارد و چون اکنون شعر ملت‌ها رو به رشد و جهانی شدن است و در مجامع بین‌المللی مطرح می‌شود و اشعار جهانی شده‌اند، قالب‌های نو ظرفیت بیشتری برای گنجاندن مفاهیم نو و جهانی در بطن خویش دارد. اشعار نو، دچار تحول محتوایی شده‌اند که این تحول محتوایی ناشی از برخورداری از احساسات و عواطف و دریافت اندیشه‌های شاعران خارج از مرزها و همچنین، تحت تأثیر محتوا و پدیده انقلاب است. موضوع‌های نو با انقلاب و دردمندی‌های اجتماع همراه است.

قنبری می‌سراید:

باید که فی‌البداهه بگویم
شعری که در رثای شهیدان باشد
زیرا که فی‌البداهه سرودند
رفتن خود را...

حمید

نامش از دفتر کلاس پاک شد

تا بر تابلوی مدرسه بنشیند (علی‌پور، ۱۳۷۵: ۶۷).

اما حرکت جدی شعر سپید، مربوط به سلمان هراتی است که به شدت، شعر را به فضاهای سیاسی اجتماعی روز نزدیک می‌کند و نوعی انتقاد و طنز تلخ است که قبل از انقلاب هم نه به این شیوه، ولی سابقه داشت.

ویژگی‌های شعر نو دفاع مقدس

۱. شعر دارای نظم‌ی روایی و حرفی در سروده‌هایی بلند و طولانی است.
۲. استفاده از اسباب و اصطلاحات جنگ در شعر.
۳. گزارشی از وقایع جبهه و جنگ و تجربیات درونی شاعر از اتفاقات اخیر.
۴. ستایش شهید و شهادت و جهاد و ایثار.
۵. تکیه بر ارزش‌های اسلامی به‌ویژه شیعی.
۶. سرزنش و خوداتهامی و اعتراض برضد ارزش‌ها و بی‌تفاوتی و غفلت‌ها.
۷. پیوند شعر دفاع مقدس به دفاع جهانی دیگر کشورها؛ یعنی، شعر دفاع مقدس فقط اختصاص به دفاع مقدس ایران ندارد؛ بلکه، بازتابی از دفاع دیگر کشورهای مظلوم در برابر ظالمان و استکبار مثل همدردی با فلسطین، بوسنی و هرزگوین و غیره است.
۸. عنصر عاطفه و احساس در شعر غلیان و جوشش دارد؛ اما گاه، آن‌قدر از تصاویر کلیشه‌ای استفاده شده است که به فضای شعر لطمه می‌زند. همچنین، گاه شعر نو به مرز شعارزدگی می‌رسد.

از شاعران مشهور دفاع مقدس در این قالب شعری، می‌توان به چند مورد اشاره داشت. قیصر امین‌پور در «شعری برای جنگ»، محمدرضا عبدالملکیان در «مردان سبز» و «حماسه چهارده‌ساله»، سلمان هراتی در «دوزخ» و «درخت گردو»، علیرضا قزوه در «از نخلستان تا خیابان»، «باغ نگاه» و «در ناگهانی از گل و لبخند».

نتیجه‌گیری

ادبیات، به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی در تعامل و تقابل با پدیده‌های مختلف جامعه است و از این منظر، در دوره‌های مختلف با سبک‌های گوناگون و با انواع ادبی روبه‌رو هستیم. این امر، به‌واسطه تقابلی است که ادبیات فارسی با پدیده‌های مختلف جامعه دارد. در ادبیات دفاع مقدس، به‌نوعی با آمیختگی ادبیات سیاسی با ادبیات انقلاب روبه‌رو هستیم. این آمیختگی در آن زمان، تبلور بیرونی نداشت؛ اما، در دوره‌های بعد این امر را شاهد هستیم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات انقلاب اسلامی در حال شکل‌گیری و در حال اوج است که بروز جنگ آن را تحت سیطره قرار می‌دهد و ادبیات جدید دفاع مقدس شکل می‌گیرد. یکی از تجلی‌گاه‌های نوآوری در حیطه زبان، ترکیب‌سازی‌های مناسب و تازه است. زبان ادیبان و

شاعران، متناسب با تغییرات و دگرگونی‌های زمان تغییر کرد و بدین ترتیب، واژه‌ها و ترکیب‌های نو وارد زبان شعری شد.

جنگ، ادبیات و شعر فارسی را از دید رنگ، صورت و معنی دگرگون و به آن رنگ دلاوری و دینی و عرفانی داد. دفاع مقدس، حماسه دلاوری، آمیخته با حماسه عرفانی است. زبان ادبیات دفاع مقدس، در آغاز، گاهی تند و تشویق‌کننده و حماسی و گاهی نرم و عمیق است و نشانه‌های کهنگی زبان، بیشتر در آن نمایان است. زبان این ادبیات، به دلیل کاربرد لغات و اصطلاحات کهنه و نو دارای تنوع است. رعایت درست قواعد صرف و نحو کلمه و کلام و دوربودن از ضعف تألیف و غرابت استعمال واژگانی و همچنین پرهیز از اطناب‌های بی‌مورد و حذف‌های بی‌جهت، از خصوصیات سبکی ادبیات دفاع مقدس است. واژگان و ترکیبات ادبیات دفاع مقدس به جهت همدلی و وحدت که نتیجه روحیه دینی است، شبیه یکدیگرند. افعال به صورت جمع و ضمائر نیز جمع است؛ بنابراین، ادبیات دفاع مقدس، دارای ویژگی‌ها و شاکله‌های خاص خود و سبک ویژه خود است. این ادبیات، از مناظر متعدد قابل بررسی است. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، این ادبیات از مکتب سمبولیسم هم پیروی نموده است؛ زیرا در اشعار و آثار این دوره، از عناصر طبیعت به وفور، به عنوان نماد استفاده شده است.

کتابنامه

- امیری، وحید (۱۳۷۳). مصاحبه روزنامه اطلاعات، ۲۶ مهر.
- امیری خراسانی، احمد و قدرت آخشن (۱۳۹۱). اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس، نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره ۷، صص ۲۹-۵۸.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ‌نامه ادب فارسی (دانش‌نامه ادب فارسی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۹۷). نگاهی به سبک غزل امروز، پرتال امام خمینی رحمت‌الله‌علیه.
<http://www.imam-khomeini.ir/fa/c>
- باقری، ساعد (۱۳۷۲). شعر امروز، به‌همراهی محمدرضا محمدی نیکو، تهران: الهدی.
- براتی، محمود و مریم نافلی (۱۳۸۸). حماسه در بزم غزل (بختی پیرامون غزل حماسه در ادب انقلاب و دفاع مقدس). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، نشریه ادب پایداری، سال اول، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱). خانه‌ام ابری است، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۴). نقد و بررسی شعر دفاع مقدس (شکوه شقایق). قم: سماء قلم.
- حسینی، سید حسن (۱۳۶۳). همصدا با حلق اسماعیل، تهران: حوزه هنری.
- حکمت، نصرالله (۱۳۸۹). متافیزیک حیرت، تهران: علم.
- رحمدل شرفشاهی، غلامرضا (۱۳۸۴). تصویر آب در غزل، نامه پایداری، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۶). ادبیات معاصر ایران (شعر). چاپ سوم، تهران: روزگار.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: پالیزان.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و علی‌حسن ترابی (۱۳۹۴). وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدس، نشریه ادبیات پایداری، سال هفتم، شماره ۱۳، صص ۱۵۹-۱۸۳.
- شریفی‌نسب، مریم (۱۳۹۳). بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس (با تأکید بر چهل دفتر شعر). نشریه ادبیات پایداری، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۸۸-۲۱۰.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۲). فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۷۰). مصاحبه روزنامه اطلاعات، ۲ مهر.

- صنعتی، محمدحسین (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران: صریح.
- علی‌پور، محمدکاظم (۱۳۷۵). تصنیف کوچه‌های خسته، تهران: حوزه هنری.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۱). بلاغت تصویر، تهران: نشر گلرنگ یکتا.
- فروغی، جهرمی، محمدقاسم (۱۳۸۹). مقاله‌ها و مقوله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- قاسم‌زاده، سیدعلی، آسیه ذبیح‌نیا و فرخنده جمالزهی (۱۳۹۳). بینامتنیت تلمیح در شعر شاعران دفاع مقدس، نشریه ادبیات پایداری، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۳۳۳-۳۵۶.
- قاسمی، حسن (۱۳۸۴). صور خیال در شعر مقاومت، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۴). قطار اندیمشک، تهران: انتشارات لوح زرین.
- کافی، غلامرضا (۱۳۹۰). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۶). آوازهای نسل سرخ (نگاهی به شعر معاصر ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)، تهران: حوزه هنری.
- موسوی، سیدکاظم و حمزه محمدی ده‌چشمه (۱۳۹۴). بازتاب اسطوره‌های ملی و حماسی در شعر شاعران دفاع مقدس، نشریه ادبیات پایداری، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۳۲۳-۳۵۲.
- میرجعفری، سیداکبر (۱۳۷۶). حرفی از جنس زمان (تأملی در شعر انقلاب). تهران: قو.
- هیلیس میلر، جی (۱۳۸۴). درباره ادبیات، مترجم: علی تقی‌زاده، کرمانشاه: دانشگاه رازی.